

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعید-سعیدافغانی»

۲۱ سپتمبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## ترجمه و تفسیر سوره مُلک

۲



«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْغَفُورُ» (۲)

همان کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است و او غالب آمرزگار است. (۲)

### لغت نامه:

«خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ»: مرگ و زندگی را مقدر کرده و پدید آورده است. و یا از ازل مقدر کرده است  
«لِيَبْلُوَكُمْ»: تا شما را بیازماید. (ملاحظه شود: سوره های: مائده، انعام، هود)

«أَحْسَنُ عَمَلًا»: نیکو کارتر و مخلصتر یا فرمانبرتر است.

طوری که یاد آور شدیم این آیت به هدف آفرینش مرگ و زندگی

انسان که از شؤون مالکیت و حاکمیت الله تعالی است، ذکری به عمل آورده است.

در حدیث شریف به روایت از ابن عمر (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم آیت: «تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ» (المالک: ۱) را تلاوت نمودند و چون به: «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» رسیدند، فرمودند: «از محرمات الله تعالی بپرهیز و در طاعت وی بشتاب».

### هدف از خلقت انسان چیست؟

ایا هدف خلقت از انسان تنها و تنها عبادت است و یا اهدافی دیگری هم دارد؟

در آیت دوم سوره مَلِك آمده است: «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» اگر به فحوی این آیت نظر به اندازیم؛ در خواهیم یافت که الله تعالی مرگ و حیات را آفرید تا شما را ببازماید که کدام يك عمل بهتری دارید. همچنان در آیت دوازدهم سوره طلاق می فرماید: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» هدف از آفرینش، علم انسان به قدرت الهی است.

در جمع‌بندی کلی به مفاهیم این آیات متبرکه که بدین نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی، بندگی الله تعالی است، لیکن عبادت نیازمند معرفت است که در جمله «لِتَعْلَمُوا» بیان شده است و در عبادت که همان پذیرفتن راه الهی و رها کردن راه‌های غیر الهی است، انسان آزمایش می‌شود که در فهم آن در جمله «لِيَبْلُوَكُمْ» بیان یافته است.

اگر سؤال به عمل آید که، اگر هدف از خلقت انسان عبادت بشر است، پس چرا این هدف به طور کامل تحقق نیافته است؟

جواب: همین است که الله تعالی بارها در قرآن عظیم الشان با زیبایی بیان فرموده است: که اگر می‌خواستیم، همه را به اجبار هدایت می‌کردم و به بندگی خود در می‌آوردم، اما خداوند بشر را آزاد آفرید، تا آگاهانه و آزادانه، عبادت کند.

### مرگ چیست :

مرگ و زندگی مانند نور و تاریکی، سردی و گرمی، ضد هم دیگر هستند. در زبان عربی این دو اصطلاح هر یک با متضادش معرفی و توضیح می‌گردد. به طور مثال در تعریف کلمه زندگی می‌گویند: **زندگی، متضاد مرگ و زنده متضاد مرده است** و جمع آن مَمَاتُ أَحْيَاءِ می‌باشد. (لسان العرب (۱/ ۷۷۴).

در تعریف مرگ گفته می‌شود: مرگ متضاد زندگی است. مرگ در اصل به معنای سکون است. می‌گویند: «كُلُّ مَا سَكَنَ فَقَدْ مَاتَ.» «هر چیز ساکنی مرده است.» به طور مثال می‌گویند زمانی که آتش کاملاً خاموش و به خاکستر مبدل شود، می‌گویند: «مَاتَتِ النَّارُ مَوْتًا» یا هنگام اتمام سردی و گرمی می‌گویند: «مَاتَ الْحَرُّ وَالْبُرْدُ.» یا می‌گویند: «مَاتَتِ الْخَمْرُ» یعنی جوشش شراب و غلیان آن فروکش کرد. پس مرگ بر چیزی اطلاق می‌گردد که روح نداشته باشد. (لسان العرب (۱/ ۷۷۴).

اگر اصل مرگ سکون و بی‌حرکتی است، پس اساس زندگی باید حرکت و جست و جو باشد.

این‌منظور در لسان العرب می‌گوید: کلمه زنده، بر هر گوینده عاقلی اطلاق می‌گردد و گیاهی را زنده می‌گویند که تازه باشد و رشد کند. (لسان العرب (۱/ ۷۷۴).

زندگی انسان با دمیدن روح معنوی در جسم فیزیکی در شکم مادر و مرگ او با جدا شدن روح از جسم و قطع پیوند میان آنها، روی می‌دهد؛ به گونه ای که با جدائی روح از جسم و رفتن به جهانی دیگر، جسم دگرگون می‌شود. (التذكرة، قرطبی (۴).

### مرگ بزرگ و مرگ کوچک:

خواب همانند مرگ است به همین جهت بزرگان علم و ادب خواب را رستاخیز کوچک می‌نامند. بنابراین خواب مرگ و برخاستن از آن زندگی دوباره است. الله تعالی می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ» (آیت ۶۰ سوره انعام) یعنی او کسی است که در شب شما را می‌میراند و در روز زنده می‌گرداند و می‌داند که در روز چه

می‌کنید.

در وقت خواب، روح انسان گرفته می‌شود اگر الله تعالی بخواهد روح کسی را در خواب بگیرد، روح او را به جسم بر نمی‌گرداند؛ ولی اگر نخواهد کسی را بمیراند، روحش را دوباره به جسمش بر می‌گرداند و زندگی تازه ای در او می‌دمد. طوری که قرآن عظیم الشان می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (آیت ۴۲ سوره زمر). (الله است که جانها را در وقت مرگشان می‌گیرد، و نیز آن (جانی) که نمرده است (آن را) وقت خوابش (می‌گیرد)، و (جانی را) که به مرگ آن حکم قطعی کرده است نگاه می‌دارد، و آن دیگر را تا زمان معینی باقی می‌گذارد، یقیناً در این امر نشانه‌های روشن و بزرگ الهی برای کسانی است که (در قدرت الله) فکر می‌کنند.)

پروردگار با عظمت ما در این آیت بیان می‌دارد که هر روحی، مرگی از نوع خواب یا مرگ کوچک را چشیده است؛ اما آن که با مرگ اصلی می‌میرد.

واضح است که الله تعالی روح همه مرده‌ها را (آن‌هایی که در خواب می‌میرند یا در حالت بیداری) نگاه می‌دارد؛ ولی روح کسی را که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است، پس از بیداری به جسمش باز می‌گرداند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: (مجموع الفتاوی، ابن تیمیه (۴۵۲/۵)

### از مرگ نمی‌توان فرار کرد

با تمام قوت و یقین کامل باید گفت که مرگ امری حتمی و ضروری و گریزناپذیر است و هیچ موجود زنده ای از آن مستثنا نیست.

طوری که پروردگار با عظمت ما در (آیت ۸۸ ، سوره قصص) می‌فرماید: «...هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (همه چیز هلاک شونده است، جز وجه (ذات) او. سلطنت و حکم از او (نافذ) است و (همگی شما) به سوی او باز گردانیده می‌شوید.)

و باز می‌فرماید: «وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (آیت ۲۷ ، سوره رحمن) (هر آنچه که بر روی زمین است، نابود می‌گردد و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس.)

و باز می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ» (آیت ۱۸۵ سوره آل عمران). (هرکسی چشونده مرگ است. و بی گمان روز قیامت پاداش‌های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هرکس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه فریب نیست.)

### مرگ، پدیده واقعی برای انسان و جن است

در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس (رض) روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ.» (صحیح بخاری، کتاب التوحید (۷۳۸۳). «به قدرت تو پناه می‌برم؛ تویی که سوای تو معبودی شایسته پرستش وجود ندارد و تویی که نمی‌میری، و انسان و جن می‌میرند.»

### مرگ زمان مشخص دارد

مرگ در زمان مشخصی می‌آید اما کسی نمی‌تواند از زمان مشخص و مقرر شده پروردگار تجاوز کند. الله تعالی اجل انسان را مقدر نموده و در لوح محفوظ ثبت کرده است و فرشتگان بزرگوار، آن را در حالی که انسان در شکم مادر قرار دارد، می‌نویسند؛ آن هنگام نه به تأخیر می‌افتد و نه لحظه‌ای پیشی می‌گیرد. اگر کسی به هر دلیلی بمیرد، با همان اجلی خواهد مرد که در آغاز برای او مقرر گشته است. برای تأکید این امر آیات و احادیث متعددی در این بابت وجود دارد. طوری که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّجَلًّا» (آیت ۱۴۵، سوره آل عمران). (هیچ کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، (و این) سرنوشتی است تعیین شده).

وباز می‌فرماید: «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ» (سوره نساء: ۷۸) (هرکجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد اگرچه در برج‌های استوار باشید).

همچنان در (آیت ۶۰، سوره واقعه) آمده است: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» (ما در میان شما مرگ را مقدر ساخته ایم و هرگز مغلوب نمی‌شویم و کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد).

در صحیح مسلم از عبدالله بن مسعود (رض) روایت شده است که مادرمان ام حبیبه فرمود: پروردگارا! تا من زنده‌ام، همسر رسول الله صلی الله علیه و سلم و پدرم ابوسفیان و برادرم معاویه را زنده نگاه دار تا از وجود آنان بهره ببرم. رسول الله صلی الله علیه و سلم صلی الله علیه و سلم در جوابش فرمود: «قَدْ سَأَلْتَ اللَّهَ لِأَجْلِ مَضْرُوبَةٍ وَأَيَّامٍ مَّعْدُودَةٍ وَأَرْزَاقٍ مَّقْسُومَةٍ لَنْ يُعَجَلَ شَيْئًا قَبْلَ جَلِّهِ أَوْ يُؤَخَّرَ شَيْئًا عَنْ جَلِّهِ وَلَوْ كُنْتَ سَأَلْتَ اللَّهَ أَنْ يُعِيدَكَ مِنَ النَّارِ أَوْ عَذَابِ فِي الْقَبْرِ كَانَ خَيْرًا وَأَفْضَلَ»

(صحیح مسلم، کتاب القدر (۲۶۶۳) مسند احمد (۱/۳۹۰، ۴۱۳، ۴۴۵) (زمان مرگ تعیین شده و روزهای شمرده شده و روزی تقسیم گشته را از الله تعالی خواستی. هرگز چیزی پیش و پس از فرارسیدن زمانش، روی نمی‌دهد. اگر از الله تعالی می‌خواستی که تو را از عذاب قبر و آتش دوزخ نجات دهد، خیلی بهتر بود).

### لحظات و زمان مرگ برای ما معلوم نیست

بندگان هیچ اطلاعی از فرا رسیدن زمان مرگ خود ندارند به جز الله یگانه، زمان مردن را نمی‌داند، زمان مرگ از جمله کلیدهای پنهانی است که علم آن از حیطة قدرت الهی است. طوری که در (آیت ۵۹، سوره انعام) می‌فرماید: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ رِجْفٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ». (کلیدهای غیب تنها نزد اوست. جز او کسی از غیب آگاهی ندارد. هر چه را که در خشکی و ابحار است می‌داند. هیچ برگه‌ای از درختی نمی‌افتد مگر آن که الله از آن آگاه است و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین و هیچ تری و خشکی نیست مگر اینکه (تفصیل آن) در کتاب مبین درج است).

امام بخاری در صحیح خود از عبدالله بن عمر (رض) روایت نموده است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرمود: «مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ خَمْسٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (آیه ۳۴ سوره لقمان) (بی‌گمان آگاهی از زمان (برپائی قیامت) مخصوص الله است، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را در رحم‌هاست می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند که در چه سرزمینی می‌میرد، همانا خداوند علیم و خبیر است). (صحیح بخاری، کتاب التفسیر (۴۶۲۷).

امام احمد، ترمذی و برخی دیگر، از بسیاری از صحابه روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «إِذَا أَرَادَ قَبْضَ رُوحِ عَبْدٍ بِأَرْضٍ، جَعَلَ لَهُ فِيهَا أَوْ قَالَ بِهَا حَاجَةً» (هرگاه الله بخواهد روح بنده ای را در سرزمینی

بگیرد، نیازش را در آن سرزمین قرار می‌دهد، تا برای تأمین نیازش به آنجا برود و مرگ به سراغش بیاید.) (سلسله الأحادیث الصحیحة، آلبانی (۱۲۲۱)

و در اخیر این مبحث توجه خوانندگان را به فهم عالی این حدیث جلب می‌دارم :

در حدیث مرفوعی به روایت از حضرت عمار بن یاسر آمده است که: «کفی بالموت واعظا وکفی بالیقین غنی» (یعنی موت برای وعظ و یقین برای استغنا کافی است.) (رواه الطبرانی .).

مقصود این است که مشاهده مرگ دوستان و عزیزان بزرگترین واعظی است، پس کسی که از این، متأثر نمی‌شود، متأثر شدن او از چیزی دیگر، بسیار مشکل است، و کسی که الله به او ثروت ایمان و یقین عنایت فرموده است، هیچ غنا و بی نیازی با او برابر نیست.

ربیع بن انس فرموده است که مرگ برای بیزاری انسان از دنیا و رغبت به سوی آخرت، کافی است.

« الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ » (۳)

آن خدائی که هفت آسمان را به طبقاتی (منظم و هماهنگ) آفرید، در نظم خلقت پروردگار رحمان هیچ بی‌نظمی و نقصان نمی‌بینی، باز بارها به دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟ (۳)

#### لغت نامه:

«سَبْعَ سَمَاوَاتٍ»: آسمان هفت گانه (ملاحظه شود سوره‌های: بقره، اسراء، مؤمنون).

«طِبَاقًا»: جمع طَبَق، یا طَبَقَه، یکی فوق دیگری. یکی برتر از دیگری. یا این که همچون مُطَابَقَه، مصدر باب مفاعله است و به معنای موافق و مرتبط و هماهنگ و هم‌اوا با یک دیگر است.

در مفهوم طبقه به اساس فکر انسانی و شناخت ما از ماحول همان منازل تعمیرات و طبقات آن است در حالی که این مفهوم وسیعتر و مشخصات دیگری غیر از این طبقه منازل داشته می‌تواند و دارد.

«طِبَاقًا»: هر آسمان بر فراز دیگری است.

«تَفَاوُتٍ»: اختلاف و عدم تناسب.

«تَفَاوُتٍ»: عیب و نقص. خلل و رخنه. ناسازگاری و ناخوانی. نظم و نظام شگفت‌انگیز بر الکترون، پروتون، اتوم، زمین، منظومه شمسی، منظومه‌های دیگر، کهکشان راه شیری، کهکشانهای دیگر، و ... حاکم است، و همه جا قانون است و حساب، و همه جا نظم است و برنامه ... هرچه انسان در جهان آفرینش دَقَّت کند کمترین خلل و ناموزونی در آن نمی‌بیند.

«فُطُورٍ»: شکاف‌ها یا خلل و نابسامانی.

«فُطُورٍ»: جمع فُطْر، درز و شکاف. مراد خلل و رخنه است.

« ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِنًا وَهُوَ حَسِيرٌ » (۴)

باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن (خواهی دید که) چشم در حالی که خسته و ناتوان است به سویت باز می‌گردد. (۴)

#### لغت نامه:

«كَرَّتَيْنِ»: دو بار. در اینجا تثنیه برای کثرت است. یعنی بارها و بارها.

«يَنْقَلِبُ»: باز می‌گردد. بر می‌گردد.

«خَاسِنًا»: خوار و ذلیل از نیافتن خلل و نابسامانی.

«حَسِيرٌ»: او از کثرت مراجعت خسته و مانده است. هدف این که انسان هر اندازه بنگرد خلل و رخنه ای پیدا نمی کند، و هر بار که به تحقیق بپردازد و بر معلومات خود بیفزاید، دچار سرگستگی و حیرت بیشتر می گردد.

«وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ» (۵)

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هائی زینت دادیم و آنها را (وسیله) تیرباران کردن شیطانها آماده کردیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته، آماده کرده ایم. ( ۵ )  
قبل از همه باید گفت:

شیطان دشمن قسم خورده انسان است و بر هر شخصی واجب است در هر حالتی که باشد، خود را از ترس و خوف ابلیس دور نگه دارد.

### لغت نامه:

«بِمَصَابِيحٍ»: به ستاره‌های درخشان. «مصباح» از «صبح»، وسیله ایست که شب را همانند صبح، روشن کند، مانند چراغ.

«رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ»: وسیله طرد شیاطین با پرتاب شهاب از ستارگان بر آنها.  
«السَّمَاءَ الدُّنْيَا»: آسمان نزدیک. (ملاحظه شود سوره های صافات . «زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (سوره فصلت).  
«رُجُومًا»: جمع رَجْم، مصدر است و به معنی اسم مفعول، یعنی چیزی که همچون سنگ انداخته می شود. اشاره به شهابها است که باقیمانده ستارگانی است که طی حوادثی متلاشی شده اند و از یک سوی آسمان به سوی دیگر پرتاب می شوند (ملاحظه شود سوره حجر و سوره صافات).

### خواننده محترم!

در آیت فوق سه تعبیر در مورد ستارگان آسمان به عمل آمده است:

اول : مصباح و چراغ؛

دوم : زینت و جلوه؛

سوم : رجم شیاطین.

همچنان در آیت مبارکه ستارگان به مثابه زینت و آرایشی برای آسمان دنیا معرفی شده است.

هکذا هدف از خلقت ستارگان بنا بر آیات قرآنی سه چیز است: زینت آسمان، راهنمای مسافران و رجم کننده شیاطین.

همچنان در ( آیت ۹۷ سوره انعام) بعد از این که به نعمت وجود ستارگان اشاره به عمل آورده می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» ( و الله آن ذاتی است که برای شما ستاره‌ها را آفرید، تا به وسیله آن در تاریکی‌های خشکی و تاریکی‌های بحر، راه یاب شوید).

در روایتی أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عکابه الدوسی می فرماید: «خداوند متعال ستارگان را برای سه حکمت آفرید:

۱- زینتی برای آسمان.

۲- رماننده (راندن) برای شیاطین

۳- نشانه‌هایی که به وسیله آنها در بر(خشکی) و بحر راهیابی می‌شود».

(قابل تذکر که شمایی توانید مبحث استراق سمع رادر سوره جن به تفصیل مطالعه فرمایید.)

### یادداشت کوتاه:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي (٦١ هجری ١١٨ هجری ، ٦٨٠ - ٧٣٦ میلادی) یکی از معروفترین علماء عصر خویش بود که در زبان شناسی، تاریخ عرب، نسب شناسی، در علم حدیث، در شعر، تفسیر نبوغ بی نظیری داشت. او در شهر بصره زندگی می کرد نابینا بود.

امام احمد بن حنبل در باره شخصیت و به خصوص حافظه قوی اش می فرماید: «او با حافظه ترین اهل بصره بود و چیزی نمی شنید مگر این که آن را حفظ می کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او آن را در حفظ خویش گرفت.» حافظه او در طول تاریخ بین علماء به حیث ضرب المثل استفاده می شد. متأسفانه او به مرض طاعون در عراق در گذشت. الله تعالی او را غریق رحمتش کند و جنت فردوس نصیبش گردد.

ادامه دارد